

پرسش و پاسخ

عضو هیئت علمی پژوهشکده مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا جرم افترا را می‌توانیم جرم سیاسی بدانیم گفت: انگیزه‌اش مهم است. یک زمانی من به شما افترا می‌زنم که ماشین بنده را دزدید. این جرم سیاسی نیست. اما شما به من افترا می‌زنید که محبی در فلان منصب سیاسی‌اش یا منصب اجتماعی‌اش این تخلف را کرده است. چرا این افترا را به من می‌زنید؟ انگیزه‌ات تخریب جناح سیاسی من است.

ایشان در بحث تشدید جرم توهین بیان کرد: مشدد بودن مقول به تشکیک است. الان در واقع جرم عمومی نسبت به جرم سیاسی مشدد محسوب می‌شود. وقتی یک جرمی نسبت به جرم دیگر مشدد است برعکسش می‌شود مخفف. یعنی شما می‌گویید چرا آن طرفی نوشته، فرقی نمی‌کند. چه جرم عمومی را مشدد کند و جرم خودبه‌خود جرم سیاسی مخفف شود و چه مثل الان باشد. چه جرم عمومی عادی باشد، چه جرم سیاسی مخفف باشد، اثر جفتش یکی است. یعنی ما با زدن برجسب جرم سیاسی داریم برخی از مصادیق آن جرم که با انگیزه شرافتمندانه انجام شدن از تخفیفات بیشتری برخوردار می‌کنیم. برعکسش هم هست شما در قانون مجازات اسلامی، کتاب تعزیرات، می‌بینید

اصل بر برائت‌ش هست برای همین جرم باید دلیل وجود داشته باشد، نه اینکه دلایلی که برای جرایم دیگر بوده به این جرم تحمیل بکنیم. این اخلال به اصل برائت است. این هم اشکالی است که به رویه‌ی کنونی وجود دارد و نیازمند آموزش است. یعنی در کنار دستورالعملی که ریاست محترم قوه قضاییه در این زمینه زحمت کشیدند باید نوعی از آموزش نسبت به مرتکبین جرایم سیاسی وجود داشته باشد که پیشنهاد من این است با توجه به اینکه بیشتر جرایم سیاسی در تهران و بعضی از شهرهای مرکز استان انجام می‌شود می‌تواند شعبه‌ای در دادسرا و دادگاه اختصاص پیدا کند و همه قضات حالا قابل آموزش نیستند، هزینه دارد، وقت نیاز دارد، آن قضات مبنی بر نحوه احراز آموزش ببینند. جرم سیاسی در واقع ترغیب مردم به مشارکت سیاسی صحیح است. شاید یک نفر که به جرم سیاسی محکوم شده، قاضی دادگاه صلاح بداند به جای اینکه او را به حبس و شلاق محکوم کند، او را محکوم به یک مجازات اجتماعی مبنی بر آموزش رفتار صحیح اجتماعی، مبنی بر آموزش قوانین مربوط به فعالیت‌های اجتماعی و مانند این‌ها کند. این جنبه آموزشی برای مردم هم می‌تواند داشته باشد. لذا تقویت دادگاه‌های تخصصی برای جرم سیاسی می‌تواند آموزش متصدیان امر قضا و مردم را در خصوص جرم سیاسی سهل‌تر کند.

چه رویکردی نسبت به این آدم، چه رویکردی نسبت به سیاست در جامعه و چه رویکردی نسبت به تفسیر قانون داریم. یعنی نگرش قاضی است که فهم می‌کند که تو مرتکب جرم سیاسی شدی یا مرتکب جرم امنیتی شدی. خیلی وقت‌ها عمل واحد با قصد واحد دو نفر را ممکن است سیاسی یا امنیتی بدانند. چون به حاق واقع که دسترسی ندارند بلکه بر اساس قراین و امارات صحبت می‌کنند. جایی که ماجرا را سخت‌تر می‌کند، آنجایی است که پیشینه‌ی سیاسی آن فرد را هم در احراز انگیزه‌اش دخیل می‌کند. شما اگر خاطرتان باشد اساتید حقوق کیفری در بحث اثبات عنصر معنوی هم در آیین دادرسی این را می‌گویند، هم در جزای عمومی این را می‌گویند که سابقه فرد، نمی‌تواند اثبات‌کننده اتهام فعلی‌اش باشد. مثلاً من سه بار سابقه سرقت دارم و سه بار حبس رفتم. الان به اتهام سرقت دستگیر شدم. یکی از چیزهایی که برخی از قضات در اثبات جرم می‌نویسند، می‌گویند با توجه به سابقه او، در حالی که سابقه فرد جرم فعلی‌اش را اثبات نمی‌کند. حداکثر در وضعیت اقل و اکثر مجازاتی‌اش تأثیر دارد. با توجه به اینکه تو آدم نشدی من اینجا سه تا پنج سال حبس را پنج سال حبس می‌دهم، یعنی آنجا می‌تواند تأثیر بگذارد. اما آیا در اثبات هم تأثیر می‌گذارد. این حتماً از مواردی است که اخلال به اصل برائت ایجاد می‌کند. چون در این جرم

